

## دکتر دیوید هاوارد، جاشوا-روت، جلسه ۲ مقدمه بخش ۲، مضامین

دیوید هاوارد و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر دیوید هاوارد است که در حال تدریس در مورد یوشع از طریق روت است. این جلسه ۲، مقدمه‌ای بر یوشع، بخش ۲، مضامین و الهیات است.

حالا می‌خواهم درباره هدف کتاب یوشع صحبت کنم.

چرا نوشته شده است؟ و چیزی که من می‌بینم، مضمون اصلی کتاب و سپس برخی مضامین فرعی است که در ادامه می‌آیند. بنابراین، ما بیشتر در مورد الهیات کتاب فکر خواهیم کرد. و بنابراین، از نظر هدف، چرا این کتاب نوشته شده است؟ در یک سطح، نوشته شده است، یا به طور کلی، برای ارائه یک تاریخ تفسیری نوشته شده است، و این مهم است، یک تاریخ تفسیری، یک برش از زندگی اسرائیل به عنوان یک قوم.

این فقط به عنوان تاریخ برای خود تاریخ نوشته نشده است. شکاف‌های زیادی در زندگی اسرائیل در زمان یوشع وجود دارد. چیزهایی هست که دوست داریم بدانیم اما نمی‌دانیم.

نوعی خلاصه‌سازی وجود دارد و ما در مورد آنچه خدا با هر بخش از قلمرو کنعانیان و سرزمین و شهرها انجام داد، چیزی نمی‌دانیم. بنابراین، این کتاب از دریچه‌ای خاص به ما نگاه می‌کند و به طور خاص‌تر به دوره یوشع اشاره دارد، زمانی که اسرائیل وارد سرزمین می‌شود و در آن ساکن می‌شود، و این سرزمینی است که قرن‌ها پیش به ابراهیم و فرزندانش وعده داده شده بود. بنابراین، یکی از ویژگی‌های بزرگ کتاب، ایده‌ی تحقق وعده‌ها در اینجا است.

و در سراسر آن، همیشه خدا کسی است که کنترل وقایع را در دست دارد. بنابراین، همانطور که در بخش اول گفتیم، اغلب ما این کتاب را فقط به عنوان این نبردها و درگیری‌ها بین بنی‌اسرائیل و کنعانیان در نظر می‌گیریم، اما در واقع باید آن را از دریچه‌ی خدا به عنوان کسی که هدایت، کنترل و نظارت بر آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد را بر عهده دارد، ببینیم. مطمئناً معجزات چشمگیری در کتاب وجود دارد و اعتبار تمام پیروزی‌های کتاب به خدا داده شده است.

بنابراین، من روی تخته چیزی را که به عنوان موضوع اصلی کتاب می‌بینم، نوشته‌ام و آن این است که خداوند سرزمین موعود کنعان را به عنوان میراث به قوم خود اسرائیل می‌دهد. و می‌خواهم هر بخش از این جمله را توضیح دهم زیرا هر بخش از این جمله از جزئیات بخش‌هایی از خود متن گرفته شده است که به نوعی در این جمله خلاصه شده است. بنابراین، من این را به عنوان یک تحمیل از بالا به پایین ننوشته‌ام، اما این به صورت ارگانیک از سرنخ‌های موجود در متن توسعه یافته است.

بگذارید در این مورد چیزی بگویم. اول از همه، من نام خدا را اینجا آورده‌ام چون خدا را بازیگر اصلی شخصیت اصلی و قهرمان اصلی کتاب می‌دانم، نه یوشع یا هیچ شخصیت انسانی دیگری. اساساً خدا کسی است که همه کارها را در کتاب انجام می‌دهد.

و این هدیه او از سرزمین است. وقتی برای اولین بار در حرفه‌ام تدریس را شروع کردم، اغلب سعی می‌کردم، دانش‌آموزان را وادار کنم که اساساً به هر کتاب در کتاب مقدس فکر کنند، اما در عهد عتیق، رشته من

شاید بهتر باشد به یک کلمه برای توصیف هر کتاب فکر کنند، پیدایش، شاید آغازها یا چیزی شبیه به آن و. یوشع، کلمه‌ای که معمولاً به ذهنشان می‌رسید سرزمین بود.

و فکر کردن به زمین به عنوان کانون مکانی برای سکونت. اما، و این در کتاب یوشع صادق است، اما این نیز صادق است که زمین به عنوان هدیه‌ای از دست خدا دیده می‌شود. و این را در بخش‌های بعدی کتاب خواهیم دید.

این بخشش زمین از جانب خداست، و این سرزمینی است که وعده داده شده بود. توجه کنید که من کلمه سرزمین موعود را با حرف بزرگ ننوشته‌ام. ما اغلب آن را با حرف بزرگ به عنوان نوعی عنوان برای یک کشور می‌بینیم.

اما این بخشیدن سرزمینی است که سال‌ها پیش، در گذشته‌های دور، به ابراهیم وعده داده شده بود. در بخش دیگری به آن وعده‌ها خواهیم پرداخت. بنابراین، این کتاب درباره تحقق وعده‌هاست.

و وعده‌های چه کسی؟ آنها وعده‌های خدا هستند. بنابراین، این ما را به خدا به عنوان بازیگر اصلی بازمی‌گرداند. و البته، این سرزمین است.

این تمرکز بر فتح سرزمین و سپس سکونت در آن سرزمین است. اما کدام سرزمین؟ سرزمین کنعان است. و ما کمابیش این را می‌دانیم.

کاملاً واضح است. اما من این را در جمله‌ام آوردم تا به خودم یادآوری کنم که خدا در این فاصله نظرش را عوض نکرد. خدا صدها سال قبل به ابراهیم وعده سرزمین را داده بود.

و با وجود درگیری‌ها و غیره، خدا نگفت، می‌دانید، نظر من را عوض کنید. چرا سرزمین اتیوپی یا موآب را به شما نمی‌دهم؟ نه، این همان سرزمین است. و او به وعده خود عمل کرد و آن سرزمین را به او داد.

، او آن را به چه کسی داد؟ البته به بنی‌اسرائیل. بنی‌اسرائیل چه کسانی بودند؟ آنها قوم خدا بودند. بنابراین این بر رابطه‌ای تأکید می‌کند که بارها و بارها در عهد عتیق می‌بینیم.

من می‌گویم که ما اغلب این کار را کرده‌ایم؛ ما گاهی اوقات به چیزی فکر می‌کنیم که من آن را کلیشه‌های نادرست یا دوگانگی‌های کاذب بین عهدین می‌نامم. باز هم، من از طریق مربیان، معلمان و کشیشان خداترس. برخی از این دوگانگی‌ها را آموختم. و یکی از آنها این بود که خدای عهد عتیق، خدای خشم بود.

خدای عشق عهد جدید. و اینجا قوانین و مقررات و قوانینی وجود داشت. اینجا رابطه‌ای وجود داشت و غیره.

و دلایلی وجود دارد که چرا مردم این را آموزش می‌دادند و هنوز هم امروز اینطور فکر می‌کنند. اما به نظر من، این دوگانگی‌ها واقعاً کاذب هستند. خدای عهد عتیق، خدای روابط است.

او کسی بود که قوم خود را دوست داشت. و به همین دلیل است که من این را اینجا می‌آورم تا مطمئن شوم که این خداست که قوم خود را دوست دارد و به وعده‌هایش عمل می‌کند. و او این کار را برای چه انجام می‌داد؟ این میراث آنها بود.

در کتاب چندین کلمه مختلف برای ارث وجود دارد. و همه آنها بر این موضوع به عنوان هدیه‌ای از جانب خدا و دریافت آن توسط اسرائیل به عنوان میراث خود تمرکز دارند. در واقع، کاری که من در کلاس‌هایم، انجام می‌دهم این است که می‌توانید این را به عنوان یک تمرین برای خودتان، به عنوان یک تمرین آموزنده، امتحان کنید.

من از کلاس‌هایم می‌خواهم که کل کتاب یوشع را در یک جلسه بخوانند. سپس طرح کلی کتاب را در دو سطح بنویسند. سطح اصلی، پنج، شش یا هشت فصل دارد.

سپس سطح دوم، یک فصل در هر بخش از کتاب. و من از آنها می‌خواهم که در هر نقطه از طرح کلی از استفاده کنند. و این کار در فصل‌هایی که در مورد inheriting یا inherits یا inherit کلمه ارث یا فعل توزیع زمین صحبت می‌کنند، فصل‌های ۱۲ تا ۲۱، آسان است.

یا ۱۳ تا ۲۱. اما در فصل‌های اولیه کمی دشوارتر است. اما نکته من این است که ما به وقایعی که در حال وقوع هستند فکر نمی‌کنیم.

اما اگر به سال‌ها بعد فکر کنیم، نویسنده کتاب را در نظر می‌گیریم. نویسنده سعی دارد چه کاری انجام دهد؟ و نویسنده سعی دارد درباره این سرزمین به عنوان میراثی از جانب خدا صحبت کند. بنابراین حتی فصل‌های اولیه، با نگاهی به آینده، چیزی که من آن را مقدمات به ارث بردن سرزمین می‌نامم، فصل‌های ۱ تا ۵. آماده شدن برای عبور از اردن.

تطهیر خودشان. به یادگار گذاشتن چیزها و غیره. همه اینها آمادگی برای به ارث بردن زمین است.

بنابراین، می‌توانیم در مورد موضوع فصل ۱، فصل ۲ یا فصل ۳ به طور جداگانه صحبت کنیم. اما در مورد کلیت کتاب، اگر این نکته‌ای معتبر باشد که از ابتدا به آن رسیده‌ایم، پس هر بخش از کتاب باید بتواند به آن اشاره کند و آن را به عنوان بخشی از کلیت کتاب ببیند.

بنابراین، این می‌تواند برداشت من از کلیت کتاب باشد. هر بخش از کتاب به نوعی در این موضوع نقش دارد. روش‌های مختلفی برای بیان این موضوع وجود دارد.

نمی‌گویم این تنها راه است. اما در مطالعه‌ی خودم، به این نتیجه رسیده‌ام. در ادامه، به برخی از مضامین مورد نظرم نگاهی خواهیم انداخت.

چیزی شبیه به زیر این مضمون کلی و فراگیر. یا می‌توانیم آن را الهیات کتاب یوشع بنامیم. و من هفت رشته اصلی را در آن می‌بینم.

هفت موضوع اصلی در کتاب. برخی از آنها از بقیه مهم‌تر هستند. ما این موضوعات را در بخش‌های مختلف بسط خواهیم داد.

اما مطمئناً، موضوع سرزمین موعود، مهم است. این موضوع بارها و بارها مطرح شده است. سال‌ها پیش به ابراهیم وعده داده شده بود.

این در طول نسل‌ها تکرار شده است. و اکنون آنها بالاخره آن را درک می‌کنند. و سپس موضوع دوم، موضوع وعده‌های خداست.

خب، من قبلاً به این موضوع اشاره کردم. و ما به نوعی آن را برجسته خواهیم کرد. اشاره‌ای به وعده‌های داده شده به ابراهیم و همچنین به موسی وجود دارد.

و حتی در خود کتاب. خدا این را وعده داد، و سپس آن اتفاق افتاد. و تحقق وعده‌ها نیز یک زیرموضوع جالب است.

سومی عهد خواهد بود. و عهدی که خدا با ابراهیم بست. باز هم، شامل وعده‌ها

اما عهدی که خدا از طریق موسی بست نیز در آن نقش دارد. قانونی که خدا به مردم داد و اینکه چگونه مردم باید از آن اطاعت و پیروی کنند. این، به نوعی زمینه‌ساز کتاب یوشع است.

چیز مهمی نیست، اما وجود دارد. یک موضوع جالب این است که موضوع چهارم، موضوع اطاعت است. به قوم اسرائیل در زمان موسی و سرگردانی‌هایشان در بیابان فکر کنید.

اسرائیل تا حد زیادی مردمی بسیار سرکش بود. برای مثال، من کتاب اعداد را در بخش‌های روایت تاریخی می‌بینم. جایی که خط داستانی روایت می‌شود.

شما بارها و بارها شاهد شورش‌هایی علیه اقتدار موسی و هارون هستید. و علیه خود خدا. و موسی علیه خدا شورش کرد.

و بسیاری از این موارد. بنابراین، در اینجا در کتاب یوشع، تصویر بسیار متفاوتی می‌بینیم. ما این حس را می‌بینیم که اکنون سعی داریم کارها را متفاوت انجام دهیم.

ما قصد نداریم اشتباهات گذشته را تکرار کنیم. و این حس وجود دارد که همه با پیروی از خداوند، اتفاق نظر بیشتری دارند. البته همیشه اینطور نیست.

استثنائات قابل توجهی وجود دارد. اما یک موضوع مهم اطاعت وجود دارد. خداوند قطعاً ما را به اطاعت تشویق می‌کند.

و مردم، در بیشتر موارد، از آن پیروی می‌کنند. پنجمین مضمونی که به نظرم می‌رسد، کل مضمون خلوص عبادت است. ایده تقدس.

و خود کلمه مقدس زیاد در کتاب استفاده نشده است. اما این ایده وجود دارد. اساساً، ایده تقدس در عهد عتیق، ایده جدایی و دور شدن است.

از آنچه شر است، آنچه ناپاک است، آنچه نامقدس است. و اسرائیل باید از همان ابتدا از تابوت عهد، از خود کنعانیان، جدا بماند. بحث در مورد نابودی کنعانیان که در بخش دیگری در مورد آن صحبت خواهیم کرد، در این بحث گنجانده شده است.

اما آن ایده خلوص عبادت، اینکه اسرائیل باید در مکانی جدید بزرگ شود و عبادت خداوند را به روش صحیح انجام دهد، بخش مهمی از کتاب است. به نظر من نکته ششم، یک مضمون ششم، مضمون رهبری الهی خواهد بود. به خود یوشع به عنوان یک رهبر مسئولیت داده می‌شود.

او، در بیشتر کتاب‌ها، به عنوان یک رهبر ایده‌آل با اشتباهات بسیار کم تصویر شده است. و ما در آنجا درس‌های خوبی در مورد رهبری می‌آموزیم. و در نهایت، موضوع استراحت

ما ایده آرامش یافتن زمین را داریم. و بخشی از موهبت الهی، وعده‌ها، این است که مردم و زمین آرام گیرند. بنابراین، به یک معنا، اگر به جریان اسفار پنجگانه فکر کنیم، در بخش دیگری در مورد زمینه ادبی در مورد این موضوع صحبت خواهیم کرد.

اما جریان اسفار پنجگانه به آینده و ورود به سرزمین موعود و دریافت آن نظر دارد. و کتاب یوشع به نوعی به گذشته نگاه می‌کند و می‌گوید، ما اینجا هستیم. و این تحقق همه اینها نیست.

ما استراحت داریم. بنابراین این هفت موضوع اصلی زیر چتر بیانیه موضوعی است که در این مرحله به شما ارائه دادم.

این دکتر دیوید هاوارد و آموزه‌های او در مورد یوشع از طریق روت است. این جلسه ۲، مقدمه‌ای بر یوشع بخش ۲، مضامین و الهیات است.